



دکتر محمدرضا توکلی صابری

■ مقدمه

دکتر محمدرضا توکلی صابری نام آشنایی است هم برای خوانندگان ماهنامه دارویی رازی و هم برای جمع پرشماری از داروسازان. در دوران دانشجویی نبود یک کتاب اطلاعات دارویی را احساس می‌کند و با اتمام دوران دانشکده به صرافت تدوین کتاب «اطلاعات دارویی» می‌افتد. در سال ۱۳۶۰ نیز کتاب «داروهای ژنریک» را روانه بازار تشنه دانستن در مورد نظام نوین دارویی می‌کند. این‌ها نشان از آغاز تلاش و نیز علاقه این همکار ارجمند به تالیف و ترجمه در زمینه‌های گوناگون خصوصاً داروسازی (برای عامه داروسازان) دارد. لطف

ایشان به رازی نیز نیازی به توضیح ندارد. آخرین رایانامه (اهالی فرهنگستان پیشنهاد کرده‌اند تا این واژه برابر نهاد یا معادل «ایمل» آورده شود) ایشان که گشوده شد، حاوی صفحاتی از آخرین کتاب در دست تدوین ایشان بود با نام فرهنگ داروسازی یا Dictionary of pharmacy با سپاس‌گزاری بسیار از این همکار دانشمند و داروساز ارجمند که رازی را برای انتشار صفحاتی از آخرین کتاب خود (که طی چند ماه آتی به چاپ خواهد رسید)، برگزیده‌اند، توجه شما را به مقدمه آقای دکتر توکلی در این کتاب و چند صفحه از کتاب ایشان جلب می‌کنیم. «رازی»

سخن نویسنده

داروسازی همانند پزشکی حرفه‌ای است که بر پایه دانش‌های گوناگونی استوار است. این دانش‌ها علاوه بر علوم پایه مانند شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی، و ریاضیات طیف وسیعی از دانش‌های دیگر را نیز شامل می‌شود. مانند فارماکولوژی فیزیولوژی، گیاه‌شناسی، انگل‌شناسی، مفردات پزشکی، فارماسوتیک، شیمی دارویی، میکروبی‌شناسی، بیوشیمی، تشریح و آمار، و کسی که به این حرفه اشتغال دارد نیازمند دانستن واژه‌ها و اصطلاحات همه این دانش‌ها است. این فرهنگ به منظور برآوردن چنین نیازی تهیه شده است. در این فرهنگ مهمترین واژه‌های داروسازی و رشته‌های وابسته به آن با معادل‌های فارسی آمده است. هدف از تالیف کتاب این است که واژه‌های مورد نیاز هر کسی را که در یکی از زمینه‌های داروسازی به کار می‌پردازد فراهم آورد. از داروسازی که در داروخانه کار می‌کند تا داروسازی که در مراکز صنعتی و تولیدی، مراکز تحقیقاتی، بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی، و یا در شرکت‌ها و بخش‌های اقتصادی فعال است. بنابراین همه واژه‌هایی که مورد نیاز و کاربرد طیف وسیعی از داروسازان است در این کتاب فراهم آمده است. از واژه‌های مربوط به فارماسوتیک و فارماکولوژی تا واژه‌های مربوط به مدیریت، اقتصاد و حسابداری در حدی که یک داروساز به آن نیاز دارد. نویسنده تمام واژه‌هایی را که در طی سی سال گذشته در این زمینه ساخته است در این کتاب گنجانده است.

روش فرهنگ‌نویسی نوینی در این کتاب به کار گرفته شده است به این ترتیب که هر واژه مرکب به‌طور مستقل و برحسب اولین واژه مرتب شده است. یعنی واژه‌های مرکبی مانند drug metabolism و یا Down syndrome هر دو در حرف D آمده‌اند و نه در زیر metabolism و یا syndrome زیرا با این روش واژه‌های مرکب آسان‌تر پیدا می‌شوند. این نخستین فرهنگ داروسازی انگلیسی فارسی است و بدیهی است که کمبودها و کاستی‌هایی داشته باشد. از همکاران عزیز خواهشمندیم که این کمبودها و کاستی‌ها را نادیده بگیرند و انتقادهای و ایرادهای خود را به آدرس ناشر بفرستند تا در چاپ‌ها بعدی به کار آید.

petrous سنگی، سنگواره

۱. هر چیز سنگ مانند ۲. نام بخش سخت استخوان گیجگاهی.

peyer's patches صفحه‌های پیر

غده‌های لنفی کوچک و مسطح که در ایلئوم و تهی روده وجود دارند و جایگاه زخم‌های ناشی از عفونت حصبه و شبه‌حصبه‌اند.

PGA

نشانه کوتاه pteroglutamic acid که نام دیگر اسید فولیک است.

→ folic acid

pH پ‌هاش

نشانه کوتاه hydrogen potential به معنای توان هیدروژن است. کمیتی است که برای نشان دادن میزان غلظت یون H^+ و یا OH^- در یک محلول به کار می‌رود. پ‌هاش کم‌تر از هفت، اسید بودن محلول و پ‌هاش بالاتر از هفت، قلیایی بودن آن را نشان می‌دهد. پ‌هاش برابر هفت خنثی است.

phage فاژ، باکتری‌خوار

یک نوع ویروس و یا یاخته که باکتری‌ها و قطعات سلولی را فرو برده و هضم می‌کند مانند باکتروفاژ.

→ bacteriophage

<p>(phag(o- فاگ، فاگو- پسوندی است به معنای خوردن، گواردن و فروردن.</p>	<p>دارویی است و از همان راه تجویز می‌شود، منتها به شکل نمک، استر و یا شکل دارویی متفاوتی است.</p>
<p>phagocyte بیگانه‌خوار، فاگوسیت یاخته‌ای است که می‌تواند یاخته‌های دیگر و بقایای بافت‌ها را ببلعد.</p>	<p>pharmaceutical care مراقبت دارویی دخالت مستقیم داروساز در تدوین، اجرا، و پایش یک برنامه دارودرمانی و ایجاد یک نتیجه درمانی معین.</p>
<p>→ macrophage → microphage</p>	<p>pharmaceutical chemistry شیمی دارویی رشته‌ای از داروسازی که به تهیه ملکول‌های شیمیایی که خواص دارویی دارند می‌پردازند.</p>
<p>phagocytosis بیگانه‌خواری، فاگوسیتوز بلعیده شدن ذرات خارجی یا یاخته‌های زیان‌آور توسط بدن توسط گویچه‌های سفید بیگانه‌خوار.</p>	<p>pharmaceutical economics اقتصاد دارویی رشته‌ای است که در آن به کاربرد روش‌های اقتصادی برای مطالعه و بررسی مسایل داروسازی می‌پردازد و در آن هزینه و منفعت عوامل مختلف ارزیابی و بررسی می‌شود.</p>
<p>phagomania جنون خوردن اشتهای سیری ناپذیر برای خوردن و یا فکر کردن درباره آن.</p>	<p>pharmaceutical elegance ظرافت دارویی به ظاهر خوش و طعم مطلوب یک فرآورده دارویی گفته می‌شود و نشانه آن است که یک فرآورده دارویی تا چه حد مورد پسند بیمار است.</p>
<p>phalanges بندهای انگشت استخوان‌های کوچکی که بندهای انگشت دست یا پا را می‌سازد.</p>	<p>pharmaceutical equivalent هم‌ارز دارویی، هم‌تراز دارویی فرآورده دارویی که همان مقدار ماده موثره دارد و از نظر شکل دارویی شبیه یک فرآورده دارویی دیگر است ولی از نظر مقدار پاسخ فارماکولوژیکی یا درمانی با آن برابر نیست. زیرا مواد اکسیپیان متفاوتی دارد.</p>
<p>phanerogam پیدازاد نام مجموع گیاهان نهاندانه و بازدانه است که اندام‌های تولیدمثلی آن‌ها قابل مشاهده است. مانند سیب و نخود.</p>	<p>pharmaceutical equivalent معادل دارویی → pharmaceutical alternative</p>
<p>pharmaceutical دارویی، مربوط به دارو</p>	
<p>Pharmaceutical alternative گزینه دارویی، بدیل دارویی فرآورده دارویی است که دارای همان مقدار و نوع ماده</p>	

pharmaceutical sciences

علوم دارویی

مجموعه همه علوم که در کشف و تولید داروها دخالت دارند که شامل بخش‌هایی از زیست‌شناسی، شیمی، فیزیک و ریاضیات می‌شود.

تهیه، تولید داروها، ارائه اطلاعات دارویی و پیچیدن نسخه پردازد.

pharmaceutical solution

محلول دارویی

محلول حاوی یک یا چند ماده دارویی که در آب یا مخلوط آب و الکل حل شده است.

-pharmaco

فارماکو-

پیشوندی است یونانی به معنای دارو.

pharmacodynamics

فارماکودینامی

دانشی است که به مطالعه، مکانیسم اثر، و اثرهای بیوشیمیایی و فیزیولوژیکی داروها می‌پردازد.

pharmaceutical substitution

جایگزینی دارویی

جانشین کردن یک فرآورده دارویی با فرآورده دیگر مانند جانشین کردن نمک سولفات کدئین با فسفات کدئین یا کلریدرات تتراسیکلین با کمپلکس فسفات تتراسیکلین و یا یک فرمولاسیون دارویی با فرمولاسیون دیگر مانند جانشین کردن سوسپانسیون آمپی‌سیلین با کپسول آمپی‌سیلین.

pharmacoeconomics

اقتصاد دارویی

مطالعه عوامل موثر بر هزینه دارودرمانی از جمله تاثیر آن‌ها بر سیستم بهداشتی و جامعه.

pharmacogenetics

فارماکوژنتیک

مطالعه پاسخ افراد نسبت به اثر داروها به علت تفاوت‌های ژنتیکی.

pharmaceutical technology

تکنولوژی دارویی

تمام تکنولوژی‌هایی که در کشف و تهیه داروها به کار می‌روند.

pharmacogenomic

فارماکوژنومیک

کاربرد تکنولوژی ژنومیک برای تولید داروها.

pharmacognosy

مفردات دارویی

مطالعه داروهای طبیعی که از گیاهان و یا جانوران به دست می‌آیند، و اثر درمانی آن‌ها.

pharmaceutics

دارویش

بخشی از داروسازی که به مطالعه عوامل شیمیایی فیزیکی و زیست‌شناختی موثر بر فرمولاسیون، تولید پایداری و کارایی فرآورده‌های دارویی می‌پردازد.

pharmacokinetics

فارماکوکینتیک، حرکت دارویی

مطالعه تغییرات غلظت یک دارو در فرآورده دارویی و تغییرات غلظت و یا متابولیت‌های آن در بدن انسان یا حیوان پس از تجویز آن. یعنی تغییرات غلظت دارو در بافت‌ها و مایع‌های گوناگون بدن در طی فرآیند آزاد شدن دارو، جذب، انتشار، ذخیره شدن در بدن، پیوند متابولیسم و دفع آن.

pharmacist

داروساز، داروشناس

شخصی است که پس از طی یک دوره دانشگاهی و آموزش در مورد داروها و بیماری‌ها اجازه دارد که به

pharmacological effect اثر فارماکولوژیکی ارزش درمانی و یا پاسخ فیزیولوژیکی نسبت به یک دارو.	دارودرمانی استفاده از داروها برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها.
pharmacological endpoint نقطه پایانی فارماکولوژیکی نقطه مرجعی است که هنگام ثبت یک پاسخ فیزیولوژیکی نسبت به یک دارو به کار می‌رود، مانند اندازه‌گیری تعداد نبض در دقیقه هنگام تعیین اثر دارویی که برای درمان تاکی‌کاردی به کار رفته است.	داروسازی داروخانه ۱. حرفه و دانش تهیه، ترکیب، فرمولاسیون نگهداری داروها و پیچیدن نسخه‌های دارویی است ۲. مکانی که در آن‌ها داروها تهیه، نگهداری و نسخه‌پیچی می‌شوند.
pharmacologist فارماکولوژیست کسی که متخصص در زمینه بررسی اثر داروها بر موجودات زنده است.	pharmacy technician .Pharm. D تکنسین داروسازی مختصر واژه Pharmacy Doctor به معنای دکترای داروسازی.
pharmacology فارماکولوژی، داروشناسی دانشی است که به بررسی و مطالعه اثر و مکانیسم داروها بر موجودات زنده می‌پردازد.	حلقی آن چه به حلق مربوط می‌شود.
pharmacopoeia دارونامه، فارماکوپه کتاب ویژه‌ای است در مورد انواع ترکیب‌های دارویی و استانداردهای مربوط به آن‌ها که توسط انجمن‌های رسمی داروسازی کشورها تهیه می‌شود. در فرانسه این کتاب به نام کدکس (Codex)، در انگلستان به نام فارماکوپه انگلستان (British Pharmacopoeia) و در آمریکا به نام فارماکوپه ایالات متحده (United State Pharmacopoeia) معروف است.	حلق برداری برداشتن بخشی از حلق با عمل جراحی.
pharmacophore داروزا بخشی از یک ملکول که تصور می‌رود اثر فیزیولوژیکی و فارماکولوژی ملکول از آن ناشی می‌شود.	التهاب حلق، التهاب گلو pharyngitis التهاب حلق و حنجره pharyngolaryngitis شکافتن گلو شکافتن گلو با عمل جراحی.
	حلق، گلو حفره‌ای است که در پشت حفره‌های بینی، دهان، و

ترکیب‌های کونژوگه محلول در آب است که به آسانی از بدن دفع می‌شوند.

مرحله دوم بررسی phase II study

در این مرحله ارزش علمی دارو تعیین می‌شود. در طی این مرحله اثربخشی دارو بر روی یک بیماری معین در بیمار بررسی شده عوارض جانبی معمولی و کوتاه مدت و خطرهای ناشی از آن مطالعه می‌شود.

phase III study

مرحله سوم بررسی

بیماران شرکت‌کننده در این مرحله بسیار بیشتر از مرحله دوم است. در این مرحله اطلاعات اضافی در مورد اثربخشی و ایمنی دارو گردآوری می‌شود تا منافع و خطرهای دارو ارزیابی شود. اطلاعات به دست آمده در این مرحله است که سرانجام در اختیار پزشک گذاشته می‌شود.

.Ph. D

نشانه مختصر Doctor of Philosophy یا مدرک دکترا است. بالاترین مدرک دانشگاهی است که معمولاً پس از چند سال تحقیق در یک رشته و انتشار نتایج آن تحقیق به فرد داده می‌شود.

phellocoderm

پوست پسین

لایه درونی پیراپوست (پریدرم) در ساقه و ریشه مسن که از لایه زاینده فلورن حاصل می‌شود. یاخته‌های این لایه اغلب محتوی دانه‌های نشاسته و گاهی کلروپلاست‌اند.

phellogen

چوب‌پنبه‌زا

کامبیوم یا لایه زاینده‌ای متشکل از سلول‌های مرستمی که در پوست ساقه و ریشه ایجاد می‌شود.

گلو واقع شده است و با این قسمت‌ها و مری در ارتباط است. حلق معبر هوا از حفره‌های بینی به حنجره و معبر رسیدن غذا از دهان به مری است.

phase

مرحله، حالت، چهره

۱. هر یک از حالت‌های ماده (مانند جامد، مایع، یا گاز) که ترکیب همگنی دارد ۲. بخشی از یک جسم یا سیستم ناهمگن که به ظاهر مجزا و متمایز از قسمت یا قسمت‌های دیگر است مانند محلول شکر در آب که یک سیستم یک فازی است و سیستم یخ و آب که سیستم دوفازی است.

phase diagram

نمودار فازی

نموداری است که رابطه بین غلظت و حرارت یک مخلوط حاوی دو یا سه ماده را نشان می‌دهد و برای تعیین ترکیب فاز در حالت تعادل در شرایط مختلف به کار می‌رود. نموداری است که شرایط تعادل را در بین شکل‌ها (فازها)ی مختلف یک ماده نشان می‌دهد.

phade I drug metabolism

فاز نخست متابولیسم دارویی

مرحله‌ای از متابولیسم داروها است که شامل واکنش‌های عامل‌دار کردن آن‌ها است، از جمله بیوترانسفورماسیون اکسیداتیو، احیا کننده، و هیدرولیتیک. واکنش‌هایی که گروه‌های قطبی را وارد ملکول دارویی می‌کنند که معمولاً اولین مرحله در تسهیل دفع دارو از بدن است.

phase II drug metabolism

فاز دوم متابولیسم دارویی

مرحله‌ای از متابولیسم داروها است که شامل اتصال ملکول دارویی به ترکیب‌های کوچک قطبی و قابل یونیزاسیون (مانند گلوکوکورونیک اسید) و ایجاد

از بیرون سلول‌های چوب‌پنبه‌ای و از درون سلول‌های پارانشیمی پوست را می‌سازد.

phenazopyridine hydrochloride

کلریدرات فنازوپیریدین

یک داروی ضد درد است که برای درمان التهاب و دردهای دستگاه ادراری و تناسلی به کار می‌رود. از راه عمومی به سرعت از ادرار دفع می‌شود و غلظت موضعی زیادی پیدا می‌کند.

phencyclidine hydrochloride

کلریدرات فن سیکلیدین

یک داروی ضد درد و بی‌حس‌کننده قوی است که در دامپزشکی به کار می‌رود. گاهی به‌طور غیرقانونی توسط معتادین مصرف می‌شود. در این حال عوارض روانی شدیدی به همراه دارد.

phenelzine sulfate

سولفات فنلزمین

یک داروی مهارکننده منوآمین اکسیداز که به شکل خوراکی به‌عنوان داروی ضد افسردگی تجویز می‌شود.

phenic acid → phenol

phenobarbital

فنوباربیتال، فنیل استیل مالونیل اوره، فنوباربیتون یکی از باریتورات‌های طول‌الاثر است که به‌عنوان آرامبخش و خواب‌آور در بی‌خوابی و به‌عنوان ضد تشنج برای درمان صرع به کار می‌رود. ارزش آن به‌ویژه در حمله‌های گراندمال یا پسیکوموتور است. به‌عنوان آرامبخش در حالات هیجانی و برای تسکین میگرن از آن استفاده می‌شود.

phenobarbital sodium

فنوباربیتال سدیم

نمک محلول فنوباربیتال است که به شکل تزریقی

داخل وریدی برای کنترل علائم تشنجی حاد تجویز می‌شود. اثر، موارد مصرف، عوارض جانبی، و درمان مسومیت ناشی از آن مانند فنوباربیتال است.

→ phenobarbital

phenobarbiton → phenobarbital

phenol

فنل، اسید فنیک، اسید کربولیک

بلورهای سوزنی شکل و بی‌رنگ که در آب محلول است. در حلال‌های آلی و اسید استیک نیز محلول است. ماده‌ای بسیار سمی است و بافت‌های بدن را از بین می‌برد. از استخلاف یک هیدروژن حلقه بنزنی با عامل هیدروکسیل به دست می‌آید. در تهیه رزین‌های مصنوعی و به‌عنوان آنتی‌سپتیک مصرف دارد.

phenol-formaldehyde resins

رزین‌های فنل - فرمالدهید

یک نوع رزین مصنوعی است که از تراکم فنل با فرمالدهیدها ساخته می‌شود. در تهیه فرآورده‌های پلاستیکی، رنگ‌های مایع، روغن جلا، و چسب‌ها کاربرد دارد.

phenolphthalein

فنل فتالین

یک شناساگر شیمیایی و به شکل جامد بی‌رنگ است. از گرم کردن آمیخته‌ای از انیدرید فتالیک و فنل در مجاورت اسید سولفوریک به دست می‌آید. از محلول الکلی آن به‌عنوان شناساگر استفاده می‌شود. حدود pH آن بین ۸/۳ (بی‌رنگ) تا ۱۰/۴ (سرخ رنگ) است.

phenol sulfonphthalein

فنل سولفون فتالین

یکی از داروهای تشخیصی است که به شکل تزریقی داخل وریدی برای آزمایش فعالیت کلیوی به کار می‌رود.

phenol trinitrate → picric acid

phenomenon پدیده

نمود یا تظاهراتی از یک واقعیت فیزیولوژیک یا پاتولوژیک.

phenotype رُخمون، فنوتیپ

صفات ارثی ظاهری قابل مشاهده در یک جاندار که حاصل ژنوتیپ و محیط باشند. جاندارانی با ژنوتیپ مشابه ممکن است در اثر محیط‌های مختلف فنوتیپ‌های متفاوتی پیدا کنند که در این صورت باید یک ژن غالب دارا باشند. مانند ژنوتیپ‌های AA و Aa از لحاظ فنوتیپی یکسان هستند.

pheonoxy فنوکسی

گروه یک ظرفیتی -C6H5O که از فنل گرفته شده است.

phentermin hydrochloride

کلریدرات فنترمن

ایزومر آمفامین و یکی از داروهای مقلد سمپاتیک است که دارای فعالیت قلبی عروقی ضعیف است و به‌عنوان داروی کم‌کننده اشتها برای درمان چاقی به کار می‌رود. اثر محرک مرکزی آن کم‌تر از آمفتامین است.

phentolamine mesylate

مزولات فنتولامین، متان سولفونات فنتولامین

یکی از داروهای مهارکننده گیرنده‌های آلفا - آدرنژیک و اثر آن شدیدتر از تولازولین است. بر روی تمام ماهیچه‌های دیواره رگ‌ها اثر مستقیم دارد و باعث گشاد شدن آن‌ها می‌شود. از راه تزریق فشارخون ناشی از مسمومیت با داروهای مقلد سمپاتیک و نیز فشارخون ناشی از فتوکروموسیتوما تجویز می‌شود.

phenyl فنیل

آریل، بنیان یک ظرفیتی C6H5 که از بنزن مشتق شده است.

phenylalanine فنیل آلانین

یک اسید آمینه که در ساختمان پروتئین‌ها یافت می‌شود و وجودش در مواد غذایی برای انسان حیاتی است.

phenylamine → aniline

phenylcarbinol → benzyl alcohol

phenyl chloride → chlorobenzene